



Hamkelasi.ir

۵۱ - گزینه (۳) : (درس ۱ ، دین و زندگی ۱ ، صفحه ۱۶)

برای انتخاب صحیح هدف ها و دل بستن به آن ها باید ارزش هدف ها را مشخص کنیم و متناصب با ارزشی که دارند ، به آنها رتبه دهیم . این چنین ، هدف های زندگی به هدف های اصلی و فرعی تقسیم می شوند

دلیل نادرستی گزینه های (۲ و ۴) : قیدهای « تنها » و « فقط » برای هدف های اصلی ، نادرست اند زیرا هدف های فرعی نیز خوب و ضروری اند

دلیل نادرستی گزینه (۱) : اگر هر کس با پیش و تلاش خاص خود به سراغ هدفی برود ، هدف صحیح انتخاب نمی شود

۵۲ - گزینه (۴) : (درس ۹ ، دین و زندگی ۱ ، صفحه ۹۹ و ۱۰۰)

محبت و دوستی سرچشمه بسیاری از تصمیم ها و کارهای انسان است . فعالیت هایی که آدمی در طول زندگی انجام می دهد ، ریشه در دلبستگی ها و محبت های او دارد و همین محبت ها است که به زندگی آدمی جهت می دهد .

کمال محبت الهی در عبارت « وَ الَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ » و کسانی که ایمان آورده اند ، خدا را محبت بیشتری دارند » در انتهای عبارت قرآنی « وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِذَا دَارًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَ الَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ »

۵۳ - گزینه (۲) : (درس ۲ ، دین و زندگی ۱ ، صفحه ۱۵)

خداوند با دارن نعمت های مادی و معنوی به انسان ، او را گدازی داشته و به او کرامت بخشیده و بر بسیاری از مخلوقات برتری داده است و آنچه در آسمان ها و زمین است ، برای انسان آفریده و توانایی بهره مندی از آنها را در وجود او قرار داده است . همه این ها نشان می دهد خداوند متعال برای انسان در نظام هستی جایگاه ویژه ای قائل شده است .

۵۴-گزینہ (۱): (درس ۳ و ۴، دین و زندگی ۳، صفحه های ۳۴ و ۷۲)

وقت شود که ست ابتداء، بالکد و ازده فتنه در آید و «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَى حِدِّهِ قَاتٍ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَ إِن أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَى وَجْهِهِ خَيْرٌ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ لَكَ خَيْرُ الْخُسْرَاءِ الْمُبِينُ: از مردم کسی هست که خدا را بر یکی جانب و کنده ای [تنهایی زبان و هنگام وسعت و آسودگی] عبارت و زندگی می کند پس اگر خیری به او رسد، دلش به آن آرام می گیرد و اگر بلایی به او رسد، از خدا رویگردان می شود او در دنیا و آخرت، [هدی و زبان می بیند این همان بیان آشکار است. «اشاره شده است و رویگردانی از خدا، و انفس عابدان از روی تردید در برابر فتنه ها و ابتلاوات است»

۵۵-گزینہ (۱): (درس ۴، دین و زندگی ۳، صفحه های ۴۸ و ۴۹)

یکی از راه های تقویت اخلاص، یاد و نیاز با خدا و درک خواستن از اوست. زیرا نیایش و عرض نیاز به پیشگاه خداوند و یاری جستن از او برای رسیدن به اخلاص، عقلت از خداوند را کم می کند، محبت او را در قلب تقویت می سازد و انسان را بهر مذهب از کمک های الهی می نماید.

۵۶-گزینہ (۲): (درس ۴ و ۵، دین و زندگی ۳، صفحه های ۲۲ و ۵۸)

آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ يُحِيطُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ أَنْ تَرَوْهُ وَ لَكِنَّ زَايَاتٍ إِنْ أَسْكَنْهُ مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ: همانا که خداوند ندک می دارد آسمان ها و زمین را از آنکه نابود شدند، و اگر ~~بخواهند~~ بخواهند نابود شوند، کسی نمی تواند آنرا حفظ کند، مگر خود خداوند. «بیانگر تنهایی خداوند از جهان است که مربوط به تدبیر امور جهان بوده و توحید در ربوبیت را می رساند. این آیه به ویژگی پادشاهان جهان و تنهایی خدا اشاره دارد که به ترتیب بیانگر قدر و قضای الهی است.

۵۷-گزینہ (۴): (درس ۱ و ۲، دین و زندگی ۳، صفحه های ۱۹ و ۱۰)

آیه «اللَّهُ الْقَمَدُ» بیانگر بی نیازی خداوند است که با عرض نیاز دائمی و پیوسته موجودات به پیشگاه خدا در آیه «يَسْأَلُهُ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ: هر آنچه در آسمان ها و زمین است، پیوسته از او درخواست می کند. او همواره دست اندر کار امور است. «مربوط است.

قُلْتُ يُقْبَلُ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْأَخِرَةِ مِنْ الْخَاسِرِينَ وَوَلَسَّكَ (یعنی جزا اسلام اختیار کند، از او پذیرفته خواهد شد و در آخرت از پیمان کاران خواهد بود) «

۶۱- گزیده (۱): (درس ۵، دین و زندگی ۲، ص ۵۰۲) (۶۴)
 حدود ~~صلوات الله علیه~~ سه سال از بعثت گذشته بود که اولین دعوت علنی پیامبر، این فرس از جانب خداوند بران پیامبر آمد: «وَأَنْتَ عَشِيرَتُكَ الْأَقْرَبِينَ: خویشاوندان نزدیکیت را اقرار کن.» برای انجام این دستور، رسول خدا (ص) چند نفر از بنو رجمانی (عشیره خود) را دعوت کرد و درباره اسلام با آنان سخن گفت و آنان را به اسلام دعوت کرد. همه آنها سکوت کردند و جوابی ندادند و فقط علی (ع) حضرت سه بار اعلام وفاداری نمود و پیامبر ایشان را به عنوان هاشمین خود معرفی کرد.

۶۲- گزیده (۲): (درس ۵، دین و زندگی ۲، ص ۵۱۵)
 امام حسین (ع) در زمان معاویه همان روش پیامبر (ص) را پیش گرفت و تا معاویه زنده بود (به مدت ده سال) علیه او مبارزه نکرد؛ ولی با انتقادها و شایعات از معاویه مردم را آگاه نمود.

۳- گزیده (۱): (درس ۳، دین و زندگی ۱، ص ۳۵ و ۳۶)
 دیدگاه اعتقادیه معاد در آیه: «وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِیَ الْحَيَاةِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ: این زندگی دنیا، چیزی جز سرگرمی و بازی نیست و سران آخرت، زندگی حقیقی است. اگر می دانستند.» مطرح شده است. در این دیدگاه، پیامبران الهی و پیروان آنان مرگ را پایان بخش دفتر زندگی نمی بیند؛ بلکه آن را غروب بران جسم و تن انسان و حلولی در حقیقتات تر برای روح انسان می دانند یا پلی به حساب می آورند که آدمی را از یک مرحله هستی (دنیا) به هستی بالاتر (آخرت) منتقل می کند. آنان آخرت را زندگی حقیقی: «لَهِیَ الْحَيَاةُ» توصیف می کنند.

وقت شود که در آیه ذکر شده، به کم ارزشی دنیا تأکید شده است، نه بی ارزشی آن. (نارسی)

حجت از پاداش و کفر اعمال، مروط - عدل الصوابت بیک از دلائل امکان ناپذیر بودن برقراری عدل الصواب در دنیا، این است که پاداش بسیار از اعمال، مانند ثواب در آخرت، در دنیا امکان پذیر نیست. پس ضرورت دارد که جهان دیگری باشد که شخص سید به پاداش عمل خود میرسد و این همان سرزمین ضرورت معاد در پرتو عدل الهی است که در آیه «أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ» آیات آخر که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند مانند فجاران و مفسدان قرار خواهیم داد؟ آیات مقتنین را مانند ناپاکان و بدکاران قرار خواهیم داد؟ اشاره شده است.

انسان به عدل دارا بودن اختیار می تواند راه های دیگری را نیز برگزیند اما چنان که گفته شد، چون هر برنامه دیگری غیر از برنامه خداوند نمی تواند پاسخ دهنده به آن نیازها بدهد، انسان زیان خواهد کرد و بار دست خالی دنیا را ترک گفته و به دیار آخرت خواهد شتافت و در آنجا نزار خود را مشاعره خواهد کرد. قرآن کریم چنین گفت «تَسْمِعُ» ناسیه و می فرماید: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ سَبِيلًا إِنَّمَا يَرْجِعُ إِلَيْنَا كَفُورًا» : همانا ما راه را به او نشان دادیم. یا سبقتنظر خواهد بود یا ناسیه؟

با پایان دوران زندگی انسان در دنیا، مرحله اول قیامت آغاز می شود که اولین حادثه در آن ~~تسویه~~ تسویه شدن صوابی صیب است. صوابی کسی است که همه آسمان ها و زمین را فرا می گیرد و این اتفاق چنان ناگهانی رخ می دهد که همه را غافلگیر می کند.

دقت شود که در این سؤال، پیامد تبتج خواسته شده است، نه تعریف آن. معنای این است که برخی انسان ها در آراستگی و ابزار وجود و مقبولیت، دچار آندوس می شوند؛ به گونه ای که در آراسته گشت خود، زیاده روی می کنند و به خود نمایی می رسند. قرآن کریم این حالت را تبتج می نامد و آن را

کتابی جاهلان می شمرد
اما باید تبیین این است که باعث عقبت انسان از هدف اصلی زندگی و مشغول شدن به کارهای بی شکر
و زیاده روی در آسایش و توجیهش از حد آن
عاقبتی جز نرسیدن از خدا
ندارد

۶۸- تفسیر (۴): (درس ۷، دین و زندگی ۳، صفحه ۸۹)

از روش هار شیطان برای کشاندن انسان به شقاوت این است که او را گامی گام و آهسته به سمت
گناه می کشاند تا در این فرایند تدریجی، متوجه زشتی گناه و قبح آن نشود و اقدام به توبه نکند.
حضرت شیخ بهایی امروزه عرفا کبریا و کار امروز را به فرا انداختن است. به عبارت
سلیبی
دینیه، قدر آنکه دائماً به خود می گوید «به زود توبه می کنم» و این توبه را آن قدر تکرار می کند،
تا اینکه میل به توبه در او خاموش می شود.

۶۹- تفسیر (۳): (درس ۴، دین و زندگی ۲، صفحه ۴۰ و ۴۱)

قرآن مجید در مورد ضرورت پذیرش وحایت الهی و تسلیمیت طاعت می فرماید: «الْم تَرَى اِلَى الَّذِیْنَ
یَزْعُمُونَ اَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا اُنْزِلَ اِلَیْكَ وَ مَا اُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ یُرِیدُونَ اَنْ یَسْجُدُوا لِیَ اِلٰهِ الطَّاغُوتِ
وَ قَدْ اُمرُوا اَنْ یُکْفِرُوا بِهٖ وَ یُرِیْدُ الشَّیْطَانُ اَنْ یُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِیْدًا: آیا ندیده ای کسانی که
همان می برند به آنچه بر تو نازل شده و به آنچه پیش از تو نازل شده ایمان دارند، اما می خواهند داوران به نزد
طاغوت بیزند، حال آنکه به آنان دستور داده شده که به آن کفر بوززند و شیطان می خواهد آنان را
به گمراهی دور دراز بکشد» بین ویرانی که شیطان ^{کسانی} ^{می خواهد} آنان را به گمراهی دور دراز می کشاند،
ایمان بنداری است: «یَزْعُمُونَ اَنَّهُمْ آمَنُوا».

۷۰- تفسیر (۳): (درس ۶، دین و زندگی ۳، صفحه ۷۷ و ۷۸)

بنابر سخن امام صادق (ع) درباره سنت استسراج: «هنگامی که خداوند ستر بده است [بنده ای که
غیث کناه شده است] را بخواد، بعد از انجام گناه نهی می به او می بخشد تا استغفار را فراموش
کند و به راه خدا ادامه دهد. این همان است که خداوند فرموده: «لَسْتَ تَدْرِیْهُمْ مِنْ حِدْثٍ»

۷۱- گزینۀ (۲) : (درس ۱۲، دین و زندگی ۲، صفحۀ ۱۷۳)
قرآن کریم از دختران و پسران می خواهد که قبل از ازدواج، حتماً عفاف پیشه کنند تا خداوند به بهترین صورت زندگی آنان را سامان دهد. این موضوع بیانگر یکی از برنامه های آمادگی برای ازدواج، یعنی «تقویت عفاف و پاکدامنی خود از آغاز بلوغ» است.

۷۲- گزینۀ (۳) : (درس ۱۰، دین و زندگی ۳، صفحۀ ۱۳۳ و ۱۳۴) آغاز
با ظهور تمدن روم اروپا در دوره قرون وسطی و کنار گذاشتن اعتقادات باستانی و بت پرستی و روی آوردن به مسیحیت ~~مسیحیت~~، مردم بت پرست اروپا به یک دین الهی معتقد شدند و بت ها و بت خانه ها از بین رفت و اتحاد و یکپارچگی در سراسر اروپا حاکم شد.
اما از سوی دیگر، مبلغان مسیحی که تشکیلات تبلیغی پیچیده و وسیعی را جهت تبلیغ اعتقادات مسیحیت تأسیس کردند بودند، اعتقادات نادرستی را که از نظر خودشان اعتقادات رسمی مسیحیت بود، تبلیغ می کردند. بنابراین اعتقادات نادرست مبلغان مسیحی موجب انحراف این تمدن گردید.

۷۳- گزینۀ (۱) : (درس ۸ - دین و زندگی ۳، صفحۀ ۱۰۶ و ۱۰۷)
در ~~اصول~~ اقتصاد، باید قبل از ورود به عرصه کار و تجارت، با احکام تجارت آشنا شویم تا گرفتار کسب حرام نگردیم. حضرت علی (ع) در این باره فرماید: «یا معشر التجار، الفقه، ثم المتجبر»؛ ای گروه تاجران و بازرگانان، اول یادگیری مسائل شرعی تجارت، سپس تجارت کردن.

۷۴- گزینۀ (۴) : (درس ۱۰، دین و زندگی ۲، صفحۀ ۱۴۴)
شرایط مرجع تقلید عبارت است از: ۱- بانحوه باشد. ۲- عادل باشد. ۳- زمان شناس باشد و بتواند احکام دین را متناسب با نیازهای روز، به دست آورد. ۴- اعلم باشد؛ یعنی از میان فقها از همه عالم تر باشد. فقیمی که این شرایط را دارد، مشروعیت دارد؛ و اگر نه پیروان ندارد.

(استورات و حرام است)

محمد رضایی بقا

۷۵-گزینہ (۱) (دس ۱۰، دین و زندگی ۱، صفحہ ۱۱۸)

شہد ظاہل مسافر کہ باید نمازش را شکسته بخواند، این است کہ مسافت رفت او، بیش از ۴ فرسخ باشد و مجموعہ رفت و برگشت او بیش از ۸ فرسخ باشد.

شرعی

بنابر این کسی کہ مسافت رفت او ۳ فرسخ است، باید نماز و روزه اش را کامل انجام

دهد.

درگزینہ (۲) کسی کہ رفت او کمتر از ۴ فرسخ نباشد، یعنی ۴ فرسخ یا بیشتر است و جمع بازگشت او کمتر از ۸ فرسخ نیست، پس بیشتر از ۸ فرسخ می شود و مسافر ~~باید~~ نمازش شکسته است.

رفت و برگشت او

درگزینہ (۳) کسی کہ رفت و برگشت او جمعاً ۸ فرسخ باشد و رفت او بیش از ۴ فرسخ (یعنی بیش از ۴ فرسخ است)، مسافر محسوب می شود و نمازش شکسته است.

درگزینہ (۴) کسی کہ هرکدام از مسافت ~~حالی~~ رفت و برگشت او کمتر از ۴ فرسخ

نباشد، یعنی رفت او بیش از ۴ فرسخ بوده و مجموعہ رفت و برگشت او

مسافت

بیش از ۸ فرسخ است، پس مسافر محسوب شده و نمازش شکسته است.